



A. Karim Rakei (Autor)

**Wörterbuch der Wissenschaften - Fachwörterbuch
für Natur, Technik und Experimentelle
Wissenschaften
Deutsch -Persisch**

Wörterbuch der Wissenschaften

Deutsch – Persisch Band 1

für Natur, Technik und Experimentelle Wissenschaften



A. Karim Rakei (Dr. Ing. sc. Agr.)- Berlin



Cuvillier Verlag Göttingen
Internationaler wissenschaftlicher Fachverlag

<https://cuvillier.de/de/shop/publications/7264>

Copyright:

Cuvillier Verlag, Inhaberin Annette Jentsch-Cuvillier, Nonnenstieg 8, 37075 Göttingen, Germany

Telefon: +49 (0)551 54724-0, E-Mail: info@cuvillier.de, Website: <https://cuvillier.de>

A	
A- Buchstabe- alef	آ - ا -
A- Profil- Boden	نیمرخ افقی خاک، لایه فوقانی، لایه بالایی پروفیل زمین
A- Schicht- Boden	لایه فوقانی زمین، خاک سطح الارض
A- Zeichen für Verneinung- wie- Abiose- Leblos	آ- علامت نفی کردن یک عمل-آ-بیوز، بی جان
Aa- Anmoor-Schicht Boden	لایه فوقانی زمین مردابی شده
Aab- Aap-Wasser Farci- Ordu-Sprache-	آب- آپ- آشامیدن
Aal - Aalzucht	مارماهی، پرورش و تکثیر مارماهی
AAS- Atom Absorption Spektralphotometer	سنجش مواد در محلول، دستگاه طیف سنج
Aas- Kadaver-	لاشه مرده
Abänderung- Alternanz	تغییر و تبدیل
Abart- Abgeleitet-	مشق از نوع اصلی، نوعی
Abbau- Abbaurate – Zeit- Humus- oder Mineral-	پوسیدگی مواد آلی در واحد زمان، میزان استخراج از کانیهای معدن
Abbaubarkeit- Organische Material	قابلیت تجزیه آنزیمی مواد آلی، درجه پوسیدگی
Abbaugrad- Abbaurrate Humus-	پوسیدگی مواد آلی، درجه پوسیدگی، لاشه برگ میزان
Abberation- Abweichung	انحراف، کیفیت انحراف شعاع نور پس از عبور از عدسی

Abbildung- geordnete Paare	آینه شکلهای مشخص، تصویر
Abbildung- geordnete Paare	تصویر، آینه شکلهای مشخص
Abblasung- Deflation - Winderosion-	بادرفت، انتقال مواد توسط وزش باد
Abblätten- Zuckerrüben	برداشت برگهای غده چغندر قند توسط دست طوریکه به غده چغندر صدمه وارد نشود جهت تغذیه دام
Abblätterung- Zeit	فصل خزان، ریزش برگهای درخت و سنگ تخریبی به صورت ورقه ای کنده شدن
Abbremsen- Abbremsung	ترمز کردن، کند کردن حرکت
Abbremsen- Abbremsung	کند کردن- حرکت ترمز کردن
ABC- Boden-	خاکهایی که از سه لایه تشکیل شده اند
Abdanken- verzicht	صرف نظر کردن
Abdeckung des Bodens	پوشش سطح زمین
Abfall- Druck	کاهش فشار
Abfall- Späne- Eisen- und Holz	قراضه آهن، چو ب، آشغال
Abfall- Dornartige- Pflanze-	خار و خس ، خارخسک، سداب، خارشتر، خاس ، گیاه
Abfall- Müll- Altmaterial-	آخال- آشغال-
Abfall und Abwasser	آشغال و آب آلوده- مواد زاید جامد و مایع
Abfallbeseitigungs- anlage	کارخانه دفع آشغال
Abfallbeseitigungs- gesetz	قوانین دولتی دفع آشغال
Abfalldeponie- Müll	آشغال- انبار مواد زائد
Abfallgesetz-	قانون بازیافتی از مواد زاید
Abfallkompost-	آشغال از مواد آلی- قابل پوسیده شدن و تبدیل به



	کمپوست
Abfallprodukt-	محصولات جانبي کارخانجات مانند تفاله چغندر قند درکارخانه تصفيه شکر
Abfallprodukt- Fabrik- Abfall	محصولات جانبي کارخانجات- اشغال کارخانه
Abfallstoffe-	مواد زايد، اشغال کارخانه
Abfluß- Abflußjahr	روان آب- رودخانه
Abfluß- charakterik	آب روان، نوع خروج مواد توسط آب روان ، کاراکتر
Abfluß aus versiegelten Flächen	عبور آب روان از روي زمينهاي غيرقابل نفوذ، آب روان سطحي
Abfluß- Wasser	جریان آب، مجرا
Abflußarten	انواع مختلف جریان آب
Abflußbeginn-(Zeit- Menge)	آزمایش شروع ومیزان وزني، جریان آب مترمکعب درثانیه
Abflußgebiet- Abflußlose Gebiet	منطقه بدون خروج آب روان
Abflußmenge- Abflußwasser- pro Sekunde-	آب روان سطحي ، میزان در يك منطقه بامساحت مشخص در واحد ثانیه
Abflußrelevant- Abflußwasser	میزان خروج آب روان در حالت عادي
Abfolge-	پیامد يك موضوع
Abfuhr- Stoffe	خروج مواد
Abgase- Autoabgase	گازهاي خروجي از اگزوز ماشین
Abgedeckte Karte- Landkarte	نقشه، زمین شناسي اعماق دریا
Abgelagerte Sedimente	مواد رسوب شده،
Abgeleitet- Gezogen- (maikhoos)	ماخوذ- مشتق
Abgelöste Partikel	ذرات ریز رها شده

Abgepufferte Lösung- Chemie	محلولي که ذرات هیدروژني آن خنثي شده اند
Abgeschlossene Luft	هوایی که حبس شده درون خاک توسط مولکول آب
Abgeschobene Horizont- Schicht- Boden	لایه زمین، که توسط عوامل طبیعی تغییرمکان داده است
Abgestorbenes- Stoffe- Material	مواد گیاهی مرده، مواد ي که مرده اند، مواد آلي گیاهی
Abgetorfte Moore-	منطقه مردابی خشک شده که مواد آلي آن جهت سوخت برداشت شده اند
Abgetragene Fläche-	منطقه آبرفتي که لایه فوقانی موادکاني آن توسط آبرفت برداشت شده اند
Abgrenzen- Zeitskala	درجه بندي زمان با محدودیت
Abgrund- Meeres Abgrund	اعماق دره ها و دریاها
Abgrusung- Grus- Verwitterung	تخریب مواد، هوا دیدگی
Abhandlung- Artikel	مقاله علمي
Abhang	پرتگاه، زمین شناسي
Abhängige variable	فاکتوروابسته
Abhängigkeit- Hängt stark- davon ab	وابستگی، شدیدداشتن به
Abhängigkeit von geologische Substrat	وابستگی بموادي که منشاء زمین دارند
Abhärtung- gegen Wärme und Kälte	افزایش مقاومت بر علیه عوامل جوي، گرما، سرما
Abholzen- abstocken	قطع درختان يك منطقه به صورت کامل
Ability- Person - Leistungsfähigkeit	توانايي شخص
Abiogenik-	غير بيوژن ،
A-biose- Lebensunfähigkeit	توانايي زندگي را نداشتن، بي جان



A-biotisch- leblos	بي جان ، مرده	am Baumfuß	
Abiotisch- unbelebt- Nonliving	مواد مرده آلي گياهي، بي جان ، برروي زمين ، در مزرعه ، در جنگل	Ablehnung-	رد كردن ، جواب رد دادن
Abiotische- und biotische Faktoren	فاكتورهاي بي جان و فاكطورهاي جاندار در طبيعت	Ableiten- Ableitung- Abgeleitet	مشتق گيري ، مشتق ، عمل رياضي
Abiotische Faktoren- (Lage- Boden- Klima)	فاكتورهاي طبيعي بي جان- وضعيت منطقه ، خاك، آب و هوا	Ableiten- hergeleitet - Derivat- Derivat- (moschtagh)	مشتق گرفتن- مشتق- ماخوذ
A-biotische Potentiale	پتانسيل مؤثر ، فاكطورهاي طبيعي بي جان	Ableitung- Schneefläche-	بريدگي و قطع برف از برف زار
Abjudikation-	باطل شدن ، از طريق دادگاه به رسميت شناختن	Ableitung von Schmutzfracht-	ريختن مواد آلوده به رودخانه
Abkühlungseffekt-	تاثيرات سرد شدن هوا در منطقه	Ablenken- Ablenkung	منحرف شدن ، عدم تمرکز حواس ، از مسير اصلي
Abkühlungsrate	میزان سرد شدن دما ، جذب گرما در واحد زمان ، میزان	Ablösung- Ablösungsrate	میزان جدا شدن مواد در واحد زمان
Abkürzen - Abkürzung	کوتاه کردن ، قلم زدن مخارج ، حروف مخفف	Ablösungsverhalten	چگونگی تخریب مواد
Ablagerung- Sedimentation	رسوب ، انباشت ، مواد کاني ، ته نشن	Abluft- Fabrik- Schornstein	هواي خروجي دودکش از کارخانه
Ablagerungsrate- Stoffe	میزان نهشت مواد در واحد زمان	Abnahme- Abnehmende Nachhaltigkeit	کاستن ، کم شدن مقدار ، از درجه پايداري در طبيعت
Ablaktieren- Obst	پرورش درختان ميوه	-Abnorm	غير استاندارد
Ablandig- Ablation	وزش باد و كندن مواد از سطح زمين و انتقال به طرف دريا	Abnutzungs- erscheinung- Gerät-	علائم استفاده زياد ، اصطهلاک دستگاه
Ablation- Ablandig	شست و ساب زمين توسط آب ، فرساب ، توسط باد	Abplattung der Erde	اختلاف بين قطر استوا و شمالگان ، پولاتر
Ablation- Abschmelzen und verdunsten	ذوب شدن و تبخير شدن حالت	Abplattung der Erde	تسطيح زمين ، اختلاف بين قطر استوا و شمالگان ، پولاتر
Ablauf der Zeit	تمام شدن مهلت- از بين رفتن وقت ،	Abrasion- Abrasiv	مواد سايا ، شست و ساب
Ablegen- Ablerger - Pflanzen- züchten-	شاخه خواباندن- شاخه خوابانده	Abrauchen- verbrennen	دود كردن در اثر سوختن تا اتمام جسم
Ableger - Pflanzen	قلمه گياه ، بخشي از كل	Abraum- Abraumhalde	قابل انبار كردن مواد کاني از معدن بصورت تپه
Ableger- mit Wurzel-	پاجوش ، شاخه ،	Abraumsalz- Bergmine	نمکهاي استخراجي از معدن ، نمک طبقات رويي
		Abregnen durch den feuchten Wind	تبدیل رطوبت به نم و قطره در باد



	و هوای مرطوب		زیرزمینی
Abreißen	خراب کردن ساختمان، کندن يك ورق از درون دفتر	Absenkungstrichter – Brunnen- Grundwasser	پایین رفتن سطح آب زیر زمینی بشکل قیف در حوالی چاه عمیق
Abrieb- Reifenabrieb (kandeh schodan)	کنده شدن در اثر سایش ، از چرخ ماشین بر روی آسفالت خیابان	Absetzbare -Stoffe	مواد ته نشینی در فاضلاب که قابل ته نشین شدن میباشند
Abrieb- Rauigkeit	ساییدگی و خشونت سطح	Absetzbecken- Abwasser	استخر رسوب مواد در تصفیه خانه فاضلاب
Abrieb- von schleifen	سوده ،	Absetzen- abladen von Last-wagen	خالی کردن بار ماشین، ماشین بار
Abriß-nische-	حفره هایی در دیواره پرتگاه، تخریبی	Absicherung- Bank- Kredit	محافظت کردن، پشتوانه بانکی جهت وام
Abrupt- Plötzlich	حالت ناگهانی، غیرمنتظره	Absinthium- Artemisia	افسنیتین، برنجاسف، گیاه طبی
Absatzgestein- Absatzstein	سنگهای ته نشینی سخت شده، رسوبی	Absinthium- Heil- kräuter -Artemisia -	برنجاسف، گیاه افسنیتین، دارویی ، شفا بخش،
Abschätzung- Wert	امتیاز دادن، تخمین ارزش	Absolut- unbedingt	مطلق، ضروری
Abschätzung- Wert	تخمین ارزش، امتیاز دادن	Absolute- bedingungslos	منجزا، مطلق،
Abschätzung des Transferverhalten	تخمین وضعیت انتقال مواد	Absolute Betrag- Zahl	قدر مطلق- ریاضی
Abscheider- Fett	روغن گیر، جداکننده روغن از مواد آلوده، دستگاه	Absolute- Mathematik	مطلق،
Abscheider- Fett - Abscheider- Apparat	جدا کننده، دستگاه روغن گیر از مواد آلوده	Absolute Temperatur (Kelvin)	گرماي مطلق،
Abschirmung- Schützen	حفاظت از برخورد اشعه به بدن، لباس مخصوص، ضد اشعه، دیوار کشیدن	Absolvent- Person	فارغ التحصیل، شخص
Abschirmung- Schützen gegen die Wärme	حفاظت ضد حرارت	Absonderung - Zerkleinerung an Klüften- Spalten	خرد شدن سنگ به قطعات کوچکتر در کوهستان، تفکیک
Abschlußventil	لوله بستن، شیر قطع و وصل	Absonderung- Pflanzen Ausscheidung	ترشح گیاهی - صمغ
Abschuppung- Steinverwitterung-	نوع تخریب سنگها توسط هوا و آب	Absonderungs- Wunde-Ausschwitzer -Baumharz	تراوش کردن، مترشح، صمغ
Abschuppung- Verwitterung	تخریب سنگها توسط هوا و آب	Absonderungs- gefüge- Regenwurm	دانه بندی خاک از بدن کرم خاکی نوع دانه بندی
Absenken der Meeresspiegel	پایین رفتن آب دریا	Absonderungs- gefüge- Regenwurm	دانه بندی خاک از بدن کرم خاکی نوع دانه بندی
Absenkung- Preis	پایین بردن قیمت کالا، کاهش قیمت	Absonderung-Wurzel Ausscheidung	ترشحات ریشه ای
Absenkung des Grundwasserstands	پایین بردن سطح ایستایی آبهای		



Absorbens-	جذب کننده آب، جسم
Absorber- Harz	ماده جذاب، صمغ نوع ماده
Absorber- Stoffe- Chemie	مواد جذب کننده، مواد و رطوبت
Absorptions- koeffizient	ضریب ثابت، جذب یونی
Abspülung- Denudation	انتقال مواد توسط آب، خاکشویی زمین
Abstabilisierung	کاهش درجه ثبات
Abstammung- genetisch	منشاء ارثی، نسل
Abstand- Entfernung	فاصله، مسافه
Abstand- von A- bis B-	فاصله ریاضی، فاصله بین دو نقطه
Abstandskarte	نقشه فواصل یک منطقه
Absterben der Pflanzenart- absterben von Gewebe- Nekrose	مردن گیاهان، انقضای نسل یک رده گیاهی، مردن بافت، نکروز
absterben von Gewebe- Nekrose	مردن بافت، اندام، گیاهی، جانوری، نکروز
Abstrahierung-	تفریق، ریاضی، عمل تفریق اعداد ، کسرکردن عدد
Abstraktion- Ausscheidung- tadjrid	تجرید، تجرد، مجرد
Absurd- Sinnlos	بی معنا -
Abszisin- Hemmstoff - Pflanzenwachstum- kond schodan	کند کننده رشد گیاهان، ماده، کند کننده رشد
Abszisse und Ordinate	محور طولها و محور عرضها
Abszisse und Ordinate	طولها و عرضها، محور
Abszissen- Achse	ریاضی، محور مختصات محور طولها، خفت
Abszission- Abwurf	عمل کنده شدن بخشی از گیاه، ریزش برگ درخت
Abszission- Abwurf- kand	کنده شدن بخشی از گیاه، ریزش برگ درخت

Abtauchzone	حوزه در اعماق آب دریا
Abteilung- Geologie- Formation	فرماتسیون، رده
Abtorfung- Abtragung- Torfabbau	برداشت مواد آلی از زمینهای مردابی جهت کود، جهت سوخت، برداشت تورف
Abtrag- Abtragsrate	خروج خاک از زمین توسط آبرفت، انتقال مواد آلی و کانی
Abtrag- Boden- material- Abtrags- charakteristik	خروج مواد کانی، انتقال، کاراکتر
Abtragserscheinung	علائم بعد از خروج مواد
Abtragsformen- Wasser und Wind)	عامل خروج مواد توسط آب، توسط باد
Abtragsverhalten	چگونگی آبرفتی، باد رفتی
Abtragung- Massen- verlagerung-	انتقال مواد توسط آب
Abtransport- Abtragung	انتقال مواد - آبرفت
Abundance -Peak	ریاضی، قله فراوانی، اعداد
Abundanz- rezedent	ریاضی، عدد میانگین
Abundanz- Überfluss	بیش از حد،
Abundanz- Häufigkeit (2%)- Dominanz-	تعداد گیاهان در واحد سطح، تخمین تراکم، درجه کمی
Abwärme aus Kraftwerk	خروج گرما از نیروگاه، برق،
Abwasser als Rohstoffe	پساب بعنوان ماده اولیه قابل بازیافتی
Abwasser aus dem Boden -Auswaschung	پساب از خاکشویی ، خاکهای،
Abwasser- aus- Fabrik - Haus- und Feld-	آب آلوده، پس آب، کارخانه، منازل، مزرعه
Abwasser und Klarwasser	فاضلاب و آب صاف پس از تصفیه
Abwasserabgabe (Steuer)	مالیات بر تولید فاضلاب
Abwasserbehandlung Abwasserreinigung	تصفیه فاضلاب به صورت ریزش بر روی

Juwelier-Goldschmied	طلاساز، گوهرساز
Juxta- Bank-	کنترل اوراق بهادار
Juxtaposition-Kristallbildung-	بلورسازی سنگ، رسوبات بر روی سنگها کریستال شدن،

K	
K- Buchstabe- kaaf	ک
K- Kalium Retention	عنصر پتاسیم، میزان جذب
Kabelanschluss	کابل ارتباط تلویزیون به ماهواره
Kadaver- Aas	لاشه مرده
Kader- Führung	کادر، چهارچوب، گروه رهبران
Käfer- Pferdeäpfel-roller- Insekt-	سرگین غلطان، سوسک جعل،
Käfer- Assel-Tausendfuss-	خبزدوک، خرخاکی-
Käfer- Goldwespe Maikäfer genannt- (zanboor e tallaii)	زنبور طلائی، سوسک،
Käfer- Marienkäfer	کفش دوزک- حشره
Käfer- Mistdreher- Mistkäfer- (soosk)	جعل، سوسک سرگین غلطان، خزوک،
Käfer- Schabe- Heimchen- Küchenschabe-Insekt	سوسک، سوسک گرمابه، حشره
Kaffee- Gemahlene Kaffee	قهوه - قهوه کوبیده
Kaffee- Baumart	قهوه، درخت، آمریکای جنوبی
Kaffeebaum-Baumart	درخت قهوه، آمریکای جنوبی
Kaffeebohne-	گیاه، دانه قهوه
Kai- Hafenstrasse-	جاده ساحلی، اسکله، نزدیک به

	ساحل
Kaianlage-	اسکله در بندر
Kaiman- Alligator-Krokodil- temsaah	تمساح، بزرگ
Kainit- Kalisalz	کاینیت، سنگ نمک پتاسیم، مواد غذایی گیاهی
Kainit- Kalisalz	سنگ نمک پتاسیم، مواد غذایی گیاهی، کاینیت،
KAK- Wert-chemische-Verbindung	ظرفیت تعویض یونی، کاتیون، درصد تعویض مخفف،
Kakao- Baumart-Kakao-bohne	کاکائو، درخت، دانه کاکائو، آمریکای جنوبی
Kakteen- Kaktus-Frucht-Feige	انجیر هندی گیاه، کاکتوس،
Kaktus- Kakteen-Frucht- Feige	کاکتوس، انجیر هندی
Kalaminthe- Berg Minze - gewöhnlich	فرنچ- مشک، نعنا- گیاه
Kalamität- Notlage-Wald-	جنگل، خسارت ناگهانی، خشک شدن ناگهانی درختان
Kalb- Jungvieh-Masttier-	شیرمست- گوساله بچه گاو
Kalb- Kälbschen-	گوساله، بچه گاو
Kalben von Gletscher - Eis-Stücke- Nordpol - Südpol	یخکوه، بچه کوه یخ، قطعه کوه یخ
Kaldaunen- Kuh-	حیوان، سیرابی شکم، خوراکی
Kaledonische Gebirgsbildung	زمین، رشته کوه های دوران کالدون
Kalender- Tagen	واحد شمارش روزها، تقویم روزشمار
Kaliber- Durchmesser-Meßgerät	کالیبر، دستگاه سنجش قطر سوراخ حفاری زمین
Kalibration	تنظیم دستگاه حفاری
Kalibrierung- Eichen	تنظیم درجه
Kalibrierungsfaktor für Anfangsbedingungen	فاکتور ضروری، شرایط شروع یک آزمایش، کالیبره کردن
Kalidünger- Mineral	کود شیمیایی پتاسیم، نمک قلیا



Kalimagnesia	کود معدني شیمیایی پتاسیم و منیزیوم
Kalisalz- Kieserit	سنگ نمک پتاسیم، کیزریت
Kaliumbedarf der Pflanze	میزان نیاز گیاه به عنصر پتاسیم جهت رشد مناسب
Kaliwerk- Fabrik	کارخانه تولید کود پتاسیم
Kaliwerk- Mine- Bergmine-	معدن سنگ پتاسیم، کارخانه تولید کود پتاسیم
Kalk- gelöschte Kalk- Lösung- (doogh aab)	دوغاب آهک
Kalkalgen- Muschelkalk	جلبک های آهک دوست
Kalk-ammonsalpeter- Dünger-	کود ازته آهک دار شیمیایی
Kalkauswaschung- Boden	عمل آهک شویی از زمین طبیعی در مناطق معتدل
Kalkboden- und Kalkauswaschung	خاک قلیایی، خاک آهکی آهک شویی از زمین طبیعی در مناطق معتدل
Kalkeffekt	اثرات آهک بر روی زمین در واحد زمان
Kalkeinsatz	میزان بکارگیری آهک
Kalkfreie- Boden- Kalkauswaschung	خاک آهک شویی شده، خاک بدون آهک
kalkhaltige Bodenschicht	لایه خاک آهک دار
Kalkmarsch- Boden	خاک مارش ساحلی شور و آهکدار،
Kalkmarsch- Boden-	خاک ساحلی شور و آهک دار، خاک مارش
Kalkmergel-	خاک مرگل، رسی آهک دار
Kalkmergel- Boden	خاک رسی آهکدار، خاک مرگل
Kalkmudde	کف رودخانه، گل لجن با مواد آلی هوموسی و آهک دار
Kalkparzelle- Dünger Parzelle	مزارع آزمایشی آهک پاشی شده و کودپاشی شده
Kalkpflanzen-	گیاهان معرف آهک

Kalkmoder	در زمین
Kalksalz-	نمک آهک، سنگ نمک
Kalkschlick- Sediment	رسوبات ته رودخانه آهک دار
Kalksinter- poröse Kalisalz	سنگ آهکی اسفنجی
Kalkspat- Kalzit- (CaCO3)	سنگ آهک، کالک اسپات، کالسیت
Kalkstein- Braunlehm	سنگ آهک قهوه ای، لوم قهوه ای
Kalkstein- Verschiedene Farben	سنگ آهک، به رنگهای مختلف
Kalk-stickstoff- Syamid-Dünger-(CaN- CN- CaO)	کود ازت سیانید آهکدار شیمیایی
Kalk-Tuff- Kalktuffdamm	پوک سنگ ازتی،
Kalkül-	ریاضی، محاسبه
Kalkulation- Berechnung	ریاضی، محاسبه کردن آمار، تخمین هزینه
Kalkulation- Berechnung-	احتساب- حساب کردن
Kalkung- Düngung- maßnahmen	آهک دهی و کود دهی به زمین، عملیات بهبودی خاک
Kalkungsmaßnahme	عملیات آهک دهی به زمین
Kalligraphie- schönschreiben	خوشنویسی، خطاطی
Kalmus- Rohr-Schilf- Pflanze	نی بوریا- گیاه،
Kalorie- (cal)- Maßstab- für Wärmeenergie-	کالری، واحد سنجش انرژی گرمایی- کالری
Kalorie-(cal)- Kalorimeter	کالری، کالری سنج
Kaloriesieren- von Stahl-	ضدگرما و ضدزنگ کردن فولاد
Kälte Insel- oder Wärme Insel	کلیما- منطقه با هوای سرد در منطقه با هوای گرم
Kälte Insel- oder Wärme Insel	منطقه با هوای سرد در منطقه با هوای گرم
Kalte luft- Luft ist kuhl-	هوای خنک- هوا خنک است- الجو بارد

Kalte Tag-Meteorologie	روز سرد بادرجه حرارت کمتر از ده درجه سانتیگراد زیر صفر	Pflanze-(baboonah)	دارویی گل
Kältengrenze-Meteorologie	حد جغرافیایی هوای سردسیری	Kamm-Hahnenkamm	کاکل خروس- پرنده
Kältehoch-Meteorologie	منطقه جوی با فشار هوای بالا، در ارتفاع کم	Kamm der Berg	لبه تیغ رشته کوه نوک قله
Kältepole-Meteorologie	منطقه با سردترین درجه حرارت بر روی کره زمین	Kamm der Dünnen	نقطه فوق، لبه تیزتپه های شنی
Kältesteppe- Tundra	کلیما- منطقه استپ سردسیر	Kamm der Vogel Kamm der Hahn-	تاج خروس، کاکل پرنده مرغ شانه به سر
Kältesteppe- Tundra	منطقه استپ سردسیر	Kammerbohrer	دستگاه حفاری خاک، نمونه برداری
Kaltfront- Warmfront	جبهه سرما، جبهه گرما	Kammergericht	دادگاه،
Kaltluft- Kaltluftsee- Entstehungsgebiet	هوای سرد سطح پایین درجی نزدیک بزمین- عامل یخ زدگی گیاهان	Kammkime- Fisch	ماهی- برانشی شانه مانند
Kalyptra- Wurzelhaube	گیاه، کلاهک ریشه گیاه	Kamp	کمپ، محوطه حصاردار
Kalyptrogen- Gewebeschicht- Kalyptra	گیاه، لایه بافت گیاهی، لایه پوششی	Kampfer- Baumart	کافور، درخت گیاه دارویی برگ، ریشه
Kalytrogen- Zellen- Pflanze	گیاه، سلول های سازنده کلاهک ریشه	Kampfer- Stoff	کافور- ماده دارویی درخت کافور- در بعضی از نرم تنان
Kambium- Pflanze	گیاه، لایه زاینده در ساقه و ریشه گیاهان دولپه ای	Kanadisches Schild	منطقه در قطب شمال کانادا
Kambrium	زمین، دوران، کامبریوم	Kanal-	کانال، مجرای آب مصنوعی
Kamel- Tier	ناقه- شتر ماده	Kanal- Wasserstrasse	دریای مانش
Kamel- ein höckriges zwei höckriges- Dromedar- Kamellast	شتر- یک کوهانه- شتر دو کوهانه- شتر جمازه- شتر بار	Kanal- (ghanaat)	کاریز- قنات
Kamel- Kamel- Treiber	سار، شتر، ساربان	Kanal- Unterirdisch- Wasserkanal	قنات- روزمینی- زیرزمینی
Kameldorn- Karden- Alhagi persacum-	خارشتر- گیاه	Kanal- unterirdisch mit Brunnen- Zistern	قنات، کاریز- آب خوان
Kameldorn Pflanze-	شتر خار- گیاه	Kanalisation-	لوله کشی آب فاضلاب، آب باران در شهر، کانال کشی
Kamelreiten- Pferde reiten	شتر سواری یا اسب سواری- راحله	Kanarische Vogel- (sohreh)	سهره، قناری، صعو، پرنده
Kames- Kammeis	تپه های دوران یخچالی شنی ماسه ای	Kanarische Vogel- Spierling	صعوه- سهره- قناری - پرنده
Kames- Glateis-	آب یخ زده بر روی زمین	Kanarische Vogel- Spierling	صعوه- سهره- قناری - پرنده
Kamille-chamomilla-	بابونه گیاه	Kandidat- Bewerber	داوطلب، نامزد انتخاباتی
		Kandiszucker-	نبات، کریستال شکر
		Kanister- Tonne für Wasser -gallon- (boschkeh aab)	بشکه- آب

Kanne- Fass-Kanister	بشكه - اب
Kannellierung- Rillen- Karren	فرسایش خاک توسط آب باران به شکل لوله، شیار
Kanone- Falkonett- kleine Kanone- Zeughaus-Waffen- arsenal-	زنبورک، زنبورکچی، زنبورک خانه
Kanone-Geschütze- Donner-	توپ، توپ اندازی
Kanten- Sechskantig	شش ضلعی
Kanzlei- Rechtsanwaltsbüro	دفتر وکالت
Kaolin- (Al- Si2- O3- (OH)2) -Kaolinit	خاک رس تقریباً خالص، سنگ چینی، کائولین
Kaolinit- Porzellanerde	خاک چینی، کائولین، کائولینیت
Kaolisol- Latosol- hydrokaolisol	خاک، کائولی سول
Kap- Bergspitze-	دماغه کوه
Kap- Vorgebirge-	انف الجبل
Kapazität-	گنجایش ظرفیت حجمی،
Kapazität- Elatische - zarfiat	ظرفیت-کششی
Kapazität- Volumen	ظرفیت حجمی، گنجایش
Kapazität- Volumen-	حجم - ظرفیت حجمی
Kapillar- Depression- Wasser	کاپیلار، سطح مایعات در لوله پایینتر از سطح آزاد مایع است
Kapillar- Haargefäß	کاپیلار، رگهای موئین، لوله موئین
Kapillar-aszension- Wasser- Physik	کاپیلار فیزیک، سطح مایعات در لوله بالتر از سطح آزاد مایع است
Kapillarattraktion- Physik	نیروی کاپیلار کشش اجسام به هم ، فیزیک
Kapillarchemie	کاپیلار شیمی، علم شیمی، رگهای موئین
Kapillarität- Kraft- Potential	کاپیلار، توان نیروی کاپیلار، موئینگی، چگونگی

	حرکت و رفتار مایعات در رگهای موئین
Kapillarkraft-	نیروی کاپیلار، بالا رونده مایعات در لوله های موئین
Kapillarrohre-	لوله کاپیلار آزمایشی
Kapillarwasser	آب درون مویرگ کاپیلار بالا رونده در خاک قابل جذب توسط ریشه گیاه بالتر از سطح ایستایی آب زیر زمین
Kapitale- Hauptstadt	پایتخت يك کشور
Kapitel- Buch	فصلی از يك کتاب
Kappungsfläche- kappen	تخریب کردن، منطقه
Kapsel- Form-	کپسول، شکل
Kapselförmig-	شکل کپسول
Kapselprobe-	نمونه، در فضای بسته کپسولی
Kapuzinerkresse- Blumenkresse-	گل لادن
Kapuzinerkresse- Pflanze	گیاه، گل لادن
Kar- Karwand-	حفره های درون صخره های شیب دار
Karaburan- Buran	نوع باد، بوران
Karaburan- Buran- Wind	باد بوران، باد شدید و طوفانی
Karbon- Zeitalter-	زمین، دوران کربن، زغال سنگ
Karbonatboden- Rendzina	خاک آهک دار- رندزینا
Karbonfaser-	کربن، رشته کربن،
Kardamon- Ingwer- gewächse- Pflanze	هل، میوه گیاه
Kardamon- Pflanze Cardamom- Gewürz	گیاه هل چاشنی غذا، پودر هل و زنجبیل
Kardan gelenk- Maschin	ماشین، میله کاردان
Kardan gelenk- Maschin	ماشین، میله کاردان میله لنگ
Karden- distel	گیاه، گل خارشتر
Karden- distel- Pflanze	گل خارشتر



Kardinal- Vogel	پرنده، نوع پرنده خوش آواز
Kardinalpunkt- Drei Punkte-	نقطه اصلي، به سه نقطه اصلي از شدت يك عامل از شرايط محيط زيست يك جاندار سه نقطه عبارتند از نقطه مينيمم نقطه اوبتيمم و نقطه ماگزيمم
Kardinalzahl	رياضي، عدد اصلي
Karenzfrist- wartezeit	مهلت مشخص
Karfunkel- Topas- Edelstein	ياقوت زرد
Karg	تهی، فقر
Karge Landschaft	دشت بي آب و علف، دشت خشك
Karim- wissend-	كريم، جوانمرد، حكيم، دانشمند، راد، سخی
Karitativ- Wohltätig	رفتار و اعمال دلخواه
Karneol- Achat	سنگ قيمتي، ياقوت
Karneolonyx -Stein-	سنگ عقيق، سرخ قيمتي، كارنوول
Karnivore- Tier oder Pflanze	گوشتخوار، حيوان گوشتخوار، گياه گوشتخوار
Karotte- Pflanze	گزر-هويج- زردک- گياه
Karotte- Pflanze	گياه، هويج، زردک
Karotte- Pflanze	هويج، زردک
Karpell- Fruchblatt	برگ گل، مادگي گل، گلبرگ،
Karpell- Fruchblatt	گياه، برگ گل، مادگي گل
Karpfen- Fischart	ماهي كپور- گول
Karpfen- Fisch	ماهی گول- ماهي كپور
Karpfenteich	حوضچه پرورش ماهي كپور
Karpfenzucht-	پرورش ماهي كپور- گول-
Karpologie	گياه شناسي، ميوه شناسي
Karpologie	علم گياه شناسي، ميوه شناسي
Karre- Wagen- ein Ochsenkarre-	گاري يك گاو

Karree- Carre- Tetragonal-Form	شكل چهارگوش، ساختمان چهارگوش
Karren- Rillen- Schratten	حفره در سنگ توسط تحليل مواد بوسيله آب
Karri- Wälder	جنگل هاي مرطوب استراليا
Karst- Korrosion- Metallstein	كارست، منطقه حفره اي، گودال آب كشي در زمين، سنگ چاله
Karstgebiet- Doline- Karstic	كارست، نوع منطقه پستي بلندي در اثر فرسايش دروني
Karstlandschaft	كارست، دشت حفره دار در زمين بدون درخت و گياه
Karte- Landkarte	نقشه كشور در واحد مقياس
Karten- Spielkarten	كارت بازي، ورق
Kartenkunde- Plan	علم نقشه شناسي
Kartenkunde- Plan- Karte-	نقشه شناسي- نقشه علمي
Kartenmaßstab	مقياس نقشه نسبت به واقعيت
Kartenprojektion Zeichnung	ترسيم كره زمين بر روي نقشه
Kartenrelief- Zeichnung	ترسيم پستي و بلندي كره زمين
Kartenskizze- krocki	كروكي نقشه منطقه بصورت طبيعي
Kartieranleitung	طرز استفاده از راهنماي نقشه
Kartieren- Kartierung	نقشه برداري در واحد مقياس
Kartoffel-krebs-	گياه، بيماري غده ي سيب زميني قارچي
Kartoffel- Erdapfel- Pflanze	سيب زميني، خوراكي
Kartoffelkäfer- Schädling	كفشدوزك، آفت گياه سيب زميني، نوعي كفشدوزك
Kartoffelkäfer- Insekt	گياه، آفت گياه سيب زميني نوعي كفشدوزك
Kartographie-	علم نقشه كشي، كارتوگرافي، طراحي نقشه
Kartographie-	نقشه كشي-طراحي نقشه- كارتوگرافي

Quer-Linie- Querstrich	رياضي، خط مايل، خط كج، خط عرضي، اريب
Querschnitt- Längsschnitt	برش عرضي، برش طولي، مقطع عرضي ، مقطع طولي
Querstreife	نوار عرضي
Quersumme	رياضي، جمع اعداد
Querverweis- PC	كامپيوتر، راهنمايي بينابيني
Quetschen- Präparat	له کردن برگ، فشردن برگ جهت آزمایش
Quicken-	مخلوط کردن، ممزوج کردن
Quicksilber-Chlorid - weiße Farbe- Kalomel-	زیبق- جیوه ، زیبق ابيض-
Quinoa- Korn	دانه خوراكي
Quirl- Blatt- Quirlholz	مجموع برگهائي كه از يك گره برگي ميرويند
Quitt- Gleichen	مساوي کردن، برابر کردن قرض ، پرداخت قرض
Quitte-Pflanze (aabi)	آبی، به، میوه درخت
Quitte-Pflanze (bah)	به، درخت میوه خوراكي
Quittung-	فاكتور خريد کالا
Quote- Teilbetrag- Quotation	درصدي، بخشي از كل،
Quotient-	حاصل تقسيم دو عدد
Quotient aus- Quotientenbildung (a/b)	خارج قسمت دو عدد قسمت گيري، نسبت دو فاکتور بهم
Quotienten-regel	نسبت گيري قاعده رياضي،
Quotieren-	نرخ گذاشتن، شماره گذاشتن

<h1>R</h1>	
R- Buchstabe- re-	ر
Rabe- Häher- Krähe - Kleine Rabe- Dohle - Elster-	زاغ، زاغچه، كلاغ، زاغ و زغن
Rabe- Kolk-rabe- junge Rabe-Vogel	كلاغ، زاغ، غراب، كلاغچه پرنده
Rabe- Krähe- Vogel	غراب-كلاغ- زاغ- پرنده
Rabe- und Elster- Vogel	كلاغ و زاغی- پرنده
Racheln- Rinnen	شيار آبرفتي درمنطقه
Rad- (ra)- Maßstab - Äquivalentdosis für - Radioaktivität	واحد سنجش، راد، میزان انرژی رادیواکتیو، پرتويي
Rad- Brunnen- Wasser schöpfen-	چرخ، آب کشی از داخل چاه
Rad- Radfahrspur	چرخ - جاي عبور چرخ
Rad- Spinnrad	چرخه، دوک
Rad- Vorstrecker- Nagel-	میخ تیر-
Rad- Zweirad-	چرخ- دوچرخه
Radachse-	محور چرخ
Radar- Gerät-	دستگاه رادار، هدایتي با موج مغناطیسي الکتريكي
Radartechnik-	علم شناخت و اندازه گيري ارتباط توسط رادار
Radial-	پرتو افکن، شبیه به اشعه تابشی
Radialachse	محور شعاعي
Radiant energy	انرژی تشعشعي
Radiär Symmetrisch	رياضي، متقارن شعاعي
Radier Gummi- Bleistift	مداد پاک کن،

Radieren-	پاك كردن، تراشيدن		رطوبت در هوا، سوند
Radikal- Zahl- Element-	رياضي، راديكال، ريشه عدد ، بنیان شيميايي يك عنصر		موج راديويي، ارسال خبر
Radikal-	رياضي، مجموعه زير راديكال، عددي كه بايد از آن جذر گرفته شود		تربچه خوراكي، سبزي، فجيل، فجل، گياه
Radio- Empfänger-	دستگاه گيرنده ي امواج راديو		Radius- Vektor رياضي، شعاع حامل، درمحور ، مختصات قطبي بردار
Radio- Sender- Funkstation-	دستگاه فرستنده ي امواج راديو		Radius- Wirkungs- radius- شعاع عمل
Radioaktiv- Radioaktivität-	راديو اکتيو ، درجه پرتويي،		Radius-Vektor- Mathematik- شعاع حامل
Radioaktive Stoffe-	عناصر پرتويي فعال از نظر انتشار اشعه		Radix- Mathematik رياضي، ريشه، جذر
Radioaktive Zerfall	فرسايش توان راديو اکتيو اجسام، تشعشع راديو، تجزيه عناصر		Radix- Wurzel- Pflanze ريشه غده اي، خوراكي، ترب سفيد
Radioaktive Abfall- Stoffe-	راديو اکتيو ، مواد زائد از نيروگاه اتمي		Raffination- تصفيه كردن مواد اوليه، نفت، شکر خام
Radioaktive Ausstrahlung	تشعشع اتمي، راديو اکتيو، الاشعاع الذري		Raffinerie-Erdöl تصفيه خانه، پالایشگاه نفت
Radioaktive decay	وا پاشي راديو اکتيو		Raffinieren- Raffinerie- Öl- (palajeschgah) پالایش کردن، پالایشگاه، نفت
Radioaktive Emissionen	آلودگي عناصر پرتويي		Raft- Holz چوب هاي شناور بر روي آب رودخانه جهت انتقال
Radioaktive Stoffspeicherung	ذخيره عناصر پرتويي		Rahm- Milchfett چربي شير، شير گاو
Radiogeologie	زمين شناسي پرتويي		Rahm- Milchfett خامه، سرشير، قيمار، قیماق، قشطه
Radiogramm- Radiologie	نمودار آمري، عكس راديولوژي		Rahm-fett- Rahm- sahne کرم، چربي سرشير، چربي شير
Radiographie	پرتو نگاري		Raife- Cerci- Insekt حشره، دم بندبند حشرات
Radiokarbon- C14	کربن، راديو اکتيو جهت تعيين سن اجسام، عنصر		Rakete mit Mehrfachsprengköpfe n موشک دفاعی، با چند کلاهک
Radiokristallogie	بلورشناسي پرتويي		Raketen – Unterseeboot موشکی، زیردریایی موشک دار
Radiologie- Strahlungskunde	شناخت پرتوها و عناصر راديو اکتيو، راديو لوژي- پرتو شناسي		Raketen abschiessen Raketenreichweite موشک زدن، مسافت برد موشکی
Radiosonde-	دستگاه تعيين فشار هوا، گرما،		Raketen- Abwehr- rakete- Raketen- abwehrsystem موشک دفاعی، سيستم ضد موشکی
			Raketenkreuzer- Kriegsschiff- ناو دریایی موشکدار، کشتی رزم

Raketenschlag - Raketenangriff	موشک، حمله موشکی، ضربه ای		دانه روغنی، نوع سوسک ذره بینی
Rakette- Träger-rakete- mit atomare Sprengstoff-	موشک حاوی کلاهک اتمی، مواد منفجره	Rapsöl- als Brennstoff- Biosprit-	منداب، روغن گیاهی خوراکی جهت سوخت موتور
Ralle- Sumpf-Vogel	آب چلیک، پرنده	Rar- Kostbar-	کمیاب، پرارزش
Ramark- Rohboden	خاک، نوع خاک اولیه	Rare earth elements - Spurenelemente- Nährstoffe	عناصر نادر خاکی، عناصر کمیاب خاک،
Rambla- Auen-roh-boden	خاک رسوبی ساحلی نامرغوب	Rarität- Seltenheit	کمیابی، ندرت یک جسم
Rambla- Flußau- Protopedon	خاک، رسوبی ساحلی	Rascher Verdunstung	تبخیر آب سریع
Rand-	حاشیه، کناره	Rasen- Pflanze- Rasensode	چمن، علف گیاه چمن
Rand Staaten	ممالک کنار دریا	Rasen- Gras- Pflanze	علف چمن
Randmeer- Randsee	دریا، بخشی از دریا که توسط خشکی از دریا جدا شده است.	Rasenabschälung- Boden	حرکت سطحی خاک بر روی زمین باعث خرابی سطح پوشش گیاهی میشود
Randsenke	گودال کناره	Raseneisenerz- Stein- Eisenbakterien	سنگ رسوبی آهن، توسط باکتریهای آهن، سنگ زیربنای ساختمانی
Rangier-bahnhof	تعویض خط راه آهن، محل عوض کردن خط حرکت قطار	Raseneisenstein- Bodentyp	خاک ازترشحات رسوبات آهن سفت شده
Ranken- Klettern- Zyklonastie- Pflanze	بالا کشیدن گیاه توسط پیچیدن به دور یک جسم ستونی	Rasenfläche	زمین پوشیده با چمن
Ranken-pflanzen- Klettern	پیچک، بالارونده، خود را بالا کشیدن	Rasengitterstein- Bodentyp	سنگ فرش حفره دار جهت نفوذ آب باران
Ranker- Rohboden- A- C Profil	خاک، خاک اولیه	Rasensode	چمن گیاه
Ranunculus arresis- Ranunculus bulb. Blumen- Pflanze	آلاله، گل الاله، گیاه علفی یک ساله	Rasse- Ursprung	جنسیت، نژاد،
Rapakiwi- Fauler Granit-Stein-	سنگ گرانیت که سریع تخریب میشود	Rasse- Vieh-sucht	نژاد، پرورش، دام، جنس
Rapid neutron capture-	نوترون گیری سریع عمل	Raster- Rasterpunkt	نقاط اتصال بر روی شبکه
Rapid proton capture	پروتون گیری سریع عمل	Rastergestützte- Methode	روش محاسباتی آماری، ارقام، شبکه ای
Rapid- Strudel- Wasserbewegung	تندآب، جریان سریع آب در رودخانه	Rasterpunkte - einzeln- oder Rasterpunkt-reihe)	نقاط محاسبات در امتداد یک مسیر مستقیم
Rapide Anstieg	سریع، با سرعت زیاد، افزایش	Rat- Beratung- (schorra)	شوری- شورایی
Raps- Ölsamen- Pflanze	دانه روغنی، منداب،	Rat- Empfehlung	پند و نصیحت
Raps- Senf- Eruca-sativa- wilde Senf- Rauke- Pflanze	منداب، دانه روغنی، از تیره شب بو، گیاه	Raten- von Rätzel-	حل معما را حدس زدن، توصیه کردن
Rapsglanz-käfer-	سوسک منداب، حشره، آفت گیاهی	Raten-zahlung-	پرداخت وام بصورت قسطی ماهانه



Ratgeber-	مستشار
Ratio (2:1=2)- Quotienten -	رياضي، نسبت دو عدد بهم
Ration- Anteil	ذخيره غذايي، سهم، تقسيم کردن درواحد زمان، علوفه اي در دامداري
Rational- Ration	استدلالي، منطقي، عقل، منطق
Rationale Wurzel	رياضي، جذر منطق
Rationale Zahl	رياضي، عدد گويا
Rationalisieren- Rationalisierung	كفايت افزودن، تخصصي کردن كار
Rationalisierung	تقسيم كار جهت افزايش توليد در كارخانه توليدي
Rationell- Zweckmäßig	عملکرد منطقي
Ratte- Großmaus- Rattengift	خرموش، جانور-سم الفار
Ratzen- kratzen	خراشیدن
Raub- Aneigung	غصب-
Raub- Tiere-	شكاري، حيوانات
Raub- Vogel	شكاري، پرنده، درنده و گوشتخوار
Raubmilbe- Spinne	عنكبوت ريز گوشتخوار
Raubtiere- Carnivora	حيوانات درنده گوشت خوار
Raubvögel-	پرندهگان درنده و گوشت خوار
Rauch-	دود
Rauheit-	زبري
Rauhreif- Rauhrost- Rauheis	بارندگي، يخ زدن بخار آب در نزديكي سطح زمين بصورت نخهاي باريك
Rauhreif- Rauhrost- Rauheis	يخ زدن بخار آب
Rauhreif- (ariz)	اريز، برفك
Rauke- Erica Sativa	جرجيز، درخت
Rauke- Pflanze- Ölrauke-	منداب، سبزي خوراكي، دانه روغني
Rauke- wilde Rauke - Raps- Pflanze	منداب، گياه دانه روغني
Raum und Zeit	زمان و مكان

Raum- Zimmer	فضا، اتاق، مكان
Raumaspekt	از نظر مكان- فضا
Raumkurve-	منحني فضا، مكان
Raumlehre	فضا شناسي علم
Räumlich- und zeitliche- Variabilität	زمان و مكان، تغييرات يك فاكتور در واحد زمان و مكان
Räumliche Variabilität	مكان، تنوع
Raumordnung- Raumplanung	نقشه محيط
Raumschiff-	فضا پيما، سفينه فضايي
Raumschiff- (safineh)	سفينه فضايي، فضاپيما، كشتي فضايي، ماشين
Raupe- Blumenkohl - Schmetterling	كرم پروانه گل كلم
Raupe- Kiefern- Schmetterling	كرم پروانه كاج
Raupe- Puppe- Kokon-	پيله كرم حشره،
Raupe- von Schmetterling-	كرم پروانه حشره، قبل از شفيره بستن
Raupen- Kokon- Seiden- Raupe	كرم ابريشم- كرم پيله
Rauschmittel-narko- tisch- (mokhadder)	مواد مخدر
Raute- Besenkraut- Samen- Pflanze-	خاكشير، دانه- حبي- گياه
Raute- Bösen Blick vertreiber- Pflanze-	اسفند، اسپند - گياه
Raute- Feldraute- Erdkraut-	حرملم، اسپند - گياه
Raute- Form Rautenförmig- Mathematik	لوز- لوزي شكل هندسي، متوازي الاضلاع
Raute- wilde Raute	اسپند- سپند- گياه
Raute- wilde Raute- Pflanze-	سپند، اسپند- گياه
Rautenpflanze- Orange	گياه، رده مركبات، پرتقال، نارنج، ليموترش
Raxlandschaft- Ostalpen	زمين، دوران، دشت مسطح، در شرق كوه هاي آلپ
Reagenzglas- loleh	لوله آزمايش، محل تغيير حالت مايعات

azmajesch	
Reaktion zeigen- (wakonesch neschan dadan)	واکنش نشان دادن، فیزیکی، ارتجاع
Reaktion zeigen- Chemie- (aks ol ammal-)	عکس العمل نشان دادن- ارتجاع- شیمی
Reaktion- Zeit- Chemie- (wakonesh)	واکنش، تابع زمان، شیمیایی
Reaktion-Allergische	واکنش آلرژی بدن
Reaktive Biologisch Potential	پتانسیل، توان بیولوژیکی را دوباره فعال کردن
Reaktivität-	درجه به حرکت درآوردن مجدد، فعالیت مجدد
Reaktor- Atombrenner	دستگاه راکتور، محل تحریق اتم
Real- wirklich	واقعی- قابل لمس، حقیقی
Realgar- Stoff-	زرنيخ احمر
Realgymnasium Realschule	دبيرستان تا کلاس دهم
Realien- Natur- wissenschaften	واقعیات- علوم طبیعی
Realität und Fiktion	واقعیت و تصورات
Realität- Wirklichkeit	واقعیت، حقیقت
Realschulabschluß-	مدرک پایانی دوره اول دبیرستان
Realschule- Real- gymnasium-	دبيرستان، تا کلاس دهم
Realwert-	قیمت حقیقی کالا
Rebe- Weintraube	تاک، انگور، درخت
Rebe- Weintraube Pflanze	انگور، درخت چند ساله، تاک
Rebhuhn- Vogel	دراج، تیهو پرنده
Rebhuhn- Vogel-	سرخ بال، تیهو پرنده
Reb-huhn- Vogel	تیهو، دراج- کبک
Reb-huhn- Vogel- (kabk)	کبک، تیهو، پرنده
Rebhuhn-Vogel-	باقرقره- پرنده
Reblaus- Insekt	حشره، شته انگور
Rechen- Rechengut	برداشت برگ و خاشاک توسط دستگاه
Rechen- Sandrecher - Gerät	شن کش با رشته های آهنی نازک

	انعطاف دار
Rechenaufgabe	ریاضی، مسئله حساب
Rechenbrett- zählen	چتکه - چلتکه
Rechen-maschine- Mathematik	ماشین حساب
Rechenschaft ablegen- politisch-	محاسبه - حساب پس دادن - سیاسی
Rechenschafts-bericht	گزارش سالانه ادارات
Rechenverfahren	روش محاسباتی در ریاضیات
Rechenvorschrift-	قوانین و قاعده های محاسبه
Rechnen- gerechnet	حساب کردن، حساب شده، محسوب
Rechnen- Numerisch- Mathematik	حساب رقمی، حساب
Rechnen- Rechnung Wahrscheinlichkeit- Mathematik	محاسبه کردن، محاسبات، محاسبه ی احتمالات
Rechner- Personal-PC	رایانه - کامپیوتر، دستگاه محاسبه
Rechnungsprüfer- Revisor- kontrollleur	ممیز- ممیزین
Rechnung tragen	همکاری کردن، پذیرش مسئولیت
Rechnungshof	اداره رسیدگی به بودجه کشوری
Rechnungswesen	اقتصاد کشوری
Recht- recht und Link	طرف راست، طرف چپ
Rechteck- Rechtwinkel- Rechteckig-	ریاضی، زاویه قائمه، گوشه راست شکل مربع، مربع مستطیل،
Rechter winkel- Mathematik	زاویه قائمه
Rechtfertigen	حقانیت را ثابت کردن، جوابگو بودن
Rechthaber- Eule- Vogel	مرغ حق، جغد، شباویز،
Rechts- Rechtsordnung	حقوق، طبق حقوق کشوری
Rechtspflege- Justiz	کنترل رسیدگی به وضعیت قوانین
Rechtspflege- Justiz	علم کنترل رسیدگی به وضعیت قوانین